

## «مقابله با شیطان» غرب در سوریه

<http://www.fondsk.ru/news/2013/06/17/sdelka-s-djavalom-zapada-v-sirii-21110.html>

۱۱ سرطان ۱۳۹۲

بالاآخره، کاخ سفید در مورد تحویل سلاح به شورشیان سوریه تصمیم گرفت. قبل از آن لندن و پاریس هم تصمیم خود را در این باره اعلام کرده بودند. بر کسی پوشیده نیست، که نگرانی از مغلوبیت در مقابل دمشق در جنگی که خودشان راه انداخته اند، دلیل اصلی برداشتن چنین گامی بوده و پایتختهای پیشرو غربی این بار نیز آن را با نسخه کاربرد سلاح شیمیایی توجیه می کنند.

شیوه ارائه اطلاعات از سوی کاخ سفید در باره استفاده دمشق از سلاح شیمیایی جالب است. این موضوع را معاون رئیس جمهور آمریکا در امور امنیت ملی، **بن رودس**، در یک کنفرانس تلفنی بدون اینکه به چشم کسی نگاه کند و یا به سؤالی پاسخ دهد، به خبرنگاران اعلام کرد. ظاهراً، بن رودس در این سن جوانی - در حدود سی سال - هنوز نیاموخته است از خجالت سرخ شود. او گفته: «آمریکا با درجه اطمینان بالا مشخص کرده، که رژیم بشار اسد چند بار بصورت محدود از سلاح شیمیایی استفاده کرده و در نتیجه این حملات در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر کشته شده اند. ما ارزیابی خود را به روسها اعلام نموده، تفهیم کرده ایم که کمک آنها به ما برای تثبیت اوضاع سوریه، بنفع خود آنها هم هست». او هیچ اشاره ای به این نکرد، که کمیسیون سازمان ملل متحد با شرکت دادستان، **کارله دل پونته** به این نتیجه گیری کاملاً متصاد رسید و اعلام کرد که مخالفان از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده اند. واشنگتن، لندن و پاریس این واقعیت را بطور کلی نادیده میگیرند، که تنها حادثه کاملاً اثبات شده دایر بر تلاش برای کاربرد ماده بدنام سارین (**یا، زارین**) بوسیله مخالفان، زمانی روی داد که پلیس ترکیه گروه جهادیها را با ۲ کیلوگرم از این ماده سمی در مرز بازداشت کرد. گویا این مسئله که «این ماده را دزدیده اند، هنوز مسئله سرقت تحت بررسی است». بگفته رودس، استفاده از سلاح شیمیایی حسابهای باراک اوباما را در رابطه با سوریه تغییر داده است. «رژیم اسد باید بداند، که اقدام آن موجب افزایش کمکهای به ما مخالفان خواهد گردید، و این تلاشها همچنان افزایش خواهد یافت».

پرونده مرتبط با آن از سوی آمریکا و روسیه ارائه شد، ولی، همانطور که **یوری اوشاکوف**، معاون رئیس جمهور روسیه اظهار داشت، این رونده مسکوت گذاشته شد و بی نتیجه ماند. در عین حال، مسکو ادعای کاربرد «دوز دارئی» سلاح شیمیائی در جنگ پیروز اسد را بخصوص از لحاظ نظامی، مطلقاً بی اهمیت دانست.

البته، این تنها روسیه نیست که چنین ارزیابی میکند. بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد که همواره بی تزلزل با آمریکائیهای حساس همراهی میکند و در عین حال، نام و نشان خود را نیز ارج مینهد، پس از آشنائی با گزارشاتی که به او تقدیم گردید، آنها را قانع کننده نشمرد. رهبر این سازمان جهانی اظهار داشت: «صحت هر گونه اطلاعات مربوط به احتمال استفاده از تسلیحات شیمیائی را نمیتوان بدون هیچ مدرک موثقی تأیید کرد. بنا بر این، من بر اهمیت تحقیقات در محل حادثه در سوریه تأکید می کنم».

مطبوعات انگلیس مینویسند: در خاورمیانه هیچ کس ادعای استفاده دمشق از سلاحهای شیمیائی بر علیه مخالفان را باور نمیکند و آن را همچون ادعای جرج بوش دایر بر وجود تسلیحات کشتار جمعی در عراق، یک «اتهام ساختگی» میداند.

**ران پُل**، نماینده سابق کنگره آمریکا اتهام کاربرد سلاح شیمیائی بر علیه مخالفان توسط دولت سوریه را که کاخ سفید عنوان میکند، یک اتهام تأیید نشده دانست. او در ضمن، این اتهامزنی آمریکا را بسیار شبیه پافشاری مقامات این کشور بر وجود تسلیحات امحاء جمعی در عراق پیش از شروع حمله نظامی آمریکا به این کشور میداند.

**روبرت فیسک** مقاله نویسنده انگلیسی که در بیروت بسر میبرد، در مقاله مندرج خود در ایندی پندنت، ضمن برخورد طعنه آمیز به طرح اتهام از سوی کاخ سفید علیه دولت سوریه نوشت: در هر حال، این کشور (آمریکا) نمیخواهد به «تروریستهای بد» جبهه النصره که به آدمخواری مشغول هستند، سر مقتولان را آتش میزنند یا نوجوانان را کشتار میکنند، سلاح بفرستد. گویا آمریکا به «شورشیان خوب» که خود را «ارتش آزاد سوریه» مینامند، اسلحه تحویل خواهد داد. فیسک مینویسد: «فقط انسانهای ساده لوح و ناآگاه به اصول جنگ، این گونه ادعاها را باور میکنند». «ارتش آزاد سوریه» سلاحهای دریافتی را به گروه «القاعده» و سایر گروههای افراطی میفروشد. در صورت لزوم، جبهه قوی تر «النصره» این تسلیحات را «براحتی و بدون پرداخت بهای آنها از چنگ ارتش آزاد سوریه در میآورد». در ضمن، شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۳۱ ماه مه سال ۲۰۱۳ گروه «جبهه النصره» را بدلیل ارتباط آن با سازمان «القاعده» به فهرست گروههای تروریستی وارد کرد.

این «مقابله» عملی با «شیطان» غرب در سوریه را بطور کلی چگونه باید مورد ارزیابی قرار داد؟ چنانکه معلوم است، چون قتل سران گروههای جهادی مثل اوسمامه بن لادن، آنها را به سوی پیروزی بر تروریسم سوق نمیدهد، برخی سیاستمداران تصمیم گرفتند اسب روند را «زین» کرده و آن را به سمت «هر کسی که اهمیت ندارد» برانند. چنین روشی در جنگهای بالکان و قفقاز شمالی نیز بکار بسته شد. این واقعیت که این تسلیحات مردم همین کشورها را نشانه می‌رود، برای هیچیک از «بالائی‌ها» اهمیتی ندارد. عادت به فکر کردن در چهارچوب دستور، ویژگی عام ایالات متحده آمریکا میباشد.

ایندی پندنت «این واقعیت را که همان وهابی‌های سنی که برجهای دوقلو را در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منفجر کردند، به متحدان مطمئن دولت اوباما بدل شده اند»، «واقعیت هولناک» میخواند. و خود این صرفنظر از هیاهو و جار و جنجال پیرامون «عملیات مشعشع» برای قتل بن لادن، مفهومی جز تسلیم آمریکا در مقابل جهادیهها ندارد. در سایت «صدای آمریکا»، ارگان تبلیغاتی رسمی دولت آمریکا، مثلاً گزارش ویدئویی تحت عنوان «در شمال سوریه بزودی جنگ برای تصرف حلب آغاز میشود»، درج شده است. لازم است این ویدئو را همه آمریکائیها ببینند و بشنوند. این گزارش به تاریخ ۱۳ ژوئن سال جاری به تصرف شهر خان العسل واقع در ۸ کیلومتری جنوب حلب از سوی مخالفانی که قوای خود را برای مقابله با حمله ارتش جمع میکند، مربوط است. این گزارشگر، ظاهراً یک فرد سالم بوده و هیچیک از طرفداران دمکراسی و یا نزدیک به آنها را در آنجا پیدا نمیکند. مطابق موضع صریح او، همه جا فقط جهادیهها حضور دارند. اعضای آن در این فیلم مثل اینکه یک به یک از اردوگاه آموزشی «القاعده» فرو آمده اند. با ترشروئی به آمریکائیا نگاه میکنند ولی آنها را نمیرنجانند. در هر حال، متحدان هستند، اگر چه تا کنون و بطور موقتی. اسلامگرایان در این شهر گردشگری کاخ متعلق به نخبگان کارآفرینی حلب را تصرف کردند. قابل توجه اینکه آنها با ایجاد حفره‌های ورود و خروج متعدد در دیوار تخریب کرده اند. در غرب خان العسل «نیروی بین‌المللی جهادیهها متشکل از اتباع آسیائی، روسیه و بخش جنوبی صحرای آفریقای موضع گرفته است». بگفته شاهدان آنها اوقات خود را با بریدن سر مجسمه «جادوگر جهان» در پارک همجوار میگذرانند چرا که آن را «بت» میپندارند. البته این اپوزیسیون از آمریکا کمک دریافت میکند و در صورت لزوم سر مجسمه آزادی هم را با طیب خاطر خواهد برید. خوب است گفته شود: «جناب اوباما، تلویزیون را روشن کن!»

هنجارهای دمکراتیک هم که دیگر به معیارهای «لیبرالی» اوباما بدل شده اند، نقض میشوند. تحقیقات بعمل آمده از سوی شرکت مشهور آمریکائی گالوپ نشان میدهد که ۶۸ درصد

آمریکائیه‌ها در مقابل ۲۴ درصد، با تجاوز نظامی کشورشان به سوریه قاطعانه مخالفند. اما نه فقط **مک کین**، جمهورخواه افراطی، حتی **بیل کلینتون** «لیبرال دمکرات» هم در دیدار با او، ضمن بصدای آوردن ناقوس تجربه مشعشع خود در حمله به صربستان، عدم قاطعیت رئیس جمهور اوباما را مورد انتقاد قرار داد و اظهار داشت، که «رهبر باید به آینده توجه داشته باشد نه به افکار عمومی». اظهارات پر طمطراق تحت عنوان «نجات مردم سوریه از دست ستمگر»، توانائی ایستادگی در مقابل انتقادات ندارد. **پاتریک ککبرن** (Patrick Kekbern) کارشناس انگلیسی مینویسد، که ابو احمد، فرمانده دسته های ارتش آزاد غربگرای سوریه که اخیراً به حلب «حمله» کردند، شخصاً در نزد من اعتراف نمود که در اثر فقدان «آگاهی انقلابی»، ۷۰ درصد مردم بومی از رژیم اشد پشتیبانی میکنند.

این تنها آمریکا نیست که در صدد است تا نیروی جهادیها را در سوریه سمت و سو دهد. در لندن، ایندی پندنت از طریق «جاسوسان محلی» پی برد که جهادیهای انگلیس نیز این کشور خاورمیانه را بعنوان هدف اصلی خود برگزیده اند. پس چه، دلفریب است- در صورت تمیز کردن خیابانهای لندن از وجود آنها، آنوقت مشاهده خواهید کرد، اگر آنها سر خشن خود را در شنهای دور دست از دست ندهند، احتمالاً، بخاطر ارائه کمک، سپاسگزار خواهند بود. براستی، احتمال بازگشت آنها به تعداد زیاد و با بهترین تسلیحات به عقب با وجود دولت بعدی، که مقامات کنونی را، ظاهراً، بسیار کمتر از رفاه فعلی آنها نگران میسازد، وجود ندارد و انتظار نداشته باشید باز گردند.

کارشناسان بر این باورند که بعد از افغانستان، عراق و لیبی عنقریب است که سوریه بعنوان «هدف حمله نظامی گسترده غرب» تعیین شود. با این حال، تلاشها برای تغییر اوضاع از راه ارسال اسلحه به شورشیان فقط موجب وخامت اوضاع میگردد و باعث هیچگونه تحول بنیادی نمیگردد. تأثیرگذاری بر روند جنگی که اسد در آن بر کشورهای غربی پیروز شده، میتواند فقط به جنگ گسترده بین طرفهای درگیر منجر شود. هیچ اتفاقی نمی افتد، نمیتوان «کمی باردار» شد. جنگ آنها را طولانی میسازد.

حتی دبیر کل های اسبق ناتو، هاویر سولانا و جاپ دو هوپ شفر عقیده دارند، که، بجای تأمین فضای انساندوستانه و ایجاد زمینه برای تحول سیاسی، مداخله نظامی غرب در سوریه، با احتمال قوی، موجب تحریک همه طرفها شده، به آتش جنگ داخلی دامن زده، نیروهای افراطی را تقویت، شکافها را گسترده تر و همچنین، باعث شیوع جنایتکاری در سراسر کشور خواهد شد. «تصور اینکه غرب از توانائی ارائه کمک به نیروهای میانه رو و هدایت آنها از راه دور برخوردار است، در بهترین حالت، خوش بینی بحساب میآید. خشونت، خشونت میزاید، و تغییر تدریجی

از راه مداخله نظامی در صورتی میتواند به نتیجه مورد نظر منجر شود، که اگر غرب آن را برگزیند». اپوزیسیون سوریه و حامیان منطقه ای آنها پشتیبانی نظامی غرب را بمثابة هشدار مبنی بر این تصور میکنند که استراتژی همیشگی آنها دایر بر جلب غرب برای رسیدن به پیروزی کامل همچنان کارکرد دارد- و در نتیجه «آنها کمتر تمایلی به شرکت در روند حل سیاسی یا امتناع از زیاده خواهی نشان خواهند داد».

با این وجود، حوادث اخیر گواهی از آن میدهند، که صدای «میانه روها» شنیده نخواهد شد، و «عقابهای» طرفدار تشدید کمک به تروریستهای، که خاورمیانه را در آستانه جنگ فراگیر قرار داده اند، اوج خواهند گرفت.

### اطلاعیه

به اطلاع رفقا، دوستان، همزمان و هماندیشانی که طی سالیان زیادی با سیاه مشقه‌های خودم و ترجمه برخی مطالب مصدع اوقات ذیقیمت شان شده ام، میرسانم، که در ماههای اخیر بعلت بروز یکسری مشکلات و گرفتاریها، در انجام وظایف وجدانی خود کوتاهی کرده ام و احتمالاً، این کم کاری فعلاً ادامه خواهد داشت. ولذا، از همه یاری دهندگان و مشوقان بزرگوام استدعا میکنم کم کاریها در انجام وظیفه ام را با دیده اغماض بنگرند و به بزرگواری خود ببخشند. در اولین فرصت، نواقص و نارسائیهای کارم را حتما جبران خواهم کرد.

مترجم